گزارش خبری

برای سلب بهانه از نمایندگان منتقد

میلی‌منفرد از وزارت علوم استعفا داد

● **شرق:** دولت از جدیدترین امتیاز خود برای نمایندگان مجلس‌شورای‌اسلامی پرده‌برداری کرد. جعفر میلی‌منفرد روز گذشته از سمت معاون آموزشی و سعید سمنانیان، رییس مرکز هیات‌های امنای وزارت علوم استعفا کردند. میلی‌منفرد در نامه خود به محمدعلی نجفی، سرپرست کنونی وزارت علوم بنابر آنچه «نامهربانی‌ها به‌رغم آنکه هیچ‌گونه مانع قانونی برای مسوولیتم وجود نداشت» و «جلوگیری از هرگونه تضییقات و هموارنمودن مسیر» خوانده، با وزارت علوم خداحافظی کرد. او در نامه خود آورده است: «جنابعالی مستحضر هستید که اینجانب در تمام سالیان پس از انقلاب اسلامی تمام همت خود را مصروف دفاع از نظام و انقلاب و ارتقای عرصه آموزش‌عالی نموده‌ام. کارنامه علمی، اجرایی و مدیریتی ۳۵ساله اینجانب نیز موید این مطلب است؛ اما چندی است به دلیل برخی از نامهربانی‌ها به‌رغم آنکه هیچ‌گونه مانع قانونی برای مسوولیتم وجود نداشت در دوره وزارت دکتر فرجی‌دانا و سرپرستی حضرتعالی اصرار بر استعفا داشتم که با مخالفت شما بزرگواران روبه‌رو گردید.» او همچنین در ادامه تاکید کرده است: «اما اکنون که در شرف انتخاب وزیر علوم جدید توسط مجلس‌شورای‌اسلامی هستیم به‌منظور جلوگیری از هرگونه تضییقات و هموارنمودن مسیر، استعفای خود را از معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اعلام می‌دارم. رجاء واثق دارم پذیرش ناملایمات در دفاع از حقوق ملت شریف ایران و جمهوری اسلامی موجب سعادت دنیا و آخرت خواهد بود و همچون گذشته هیچ‌گونه خللی در تلاش و خدمت اینجانب به ملت و کشور ایجاد نخواهد کرد.» با استعفای جعفر میلی‌منفرد و سعید سمنانیان می‌توان گفت حلقه اولیه مردان روحانی در وزارت علوم یعنی جعفر میلی‌منفرد به‌عنوان اولین گزینه، جعفر توفیقی و رضا فرجی‌دانا به‌عنوان گزینه‌های بعدی حالا از وزارت علوم خارج شده‌اند و جای خود را به مدیران میانی می‌دهند؛ مساله‌ای که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین عقب‌نشینی‌ها و امتیازات دولت به مجلس‌شورای‌اسلامی دانست. اما آیا این اتفاق می‌تواند در نظر و رای نمایندگان مجلس تاثیرگذار باشد؟ سوالی که نتیجه جلسه چهارشنبه مجلس با نمایندگان می‌تواند تا حدودی پاسخی به آن باشد.

نگاه

اپتومتری حرفه‌ای با مشکلات فراوان

حسین میرزایی*

● همه‌چیز با یک‌دوره کارشناسی چهارساله شروع می‌شود، خوشحال از قبولی در کنکور سراسری پا به دانشگاه می‌گذاری و شروع به تحصیل می‌کنی. خیلی زود می‌فهمی که وارد رشته‌ای شده‌ای که پر از تنش و کشمکش است، رشته‌ای که متقاضی زیادی دارد و خیلی‌ها دوست دارند وارد این رشته شوند، اما نمی‌دانند که به چه دنیای پراسترس و پردردسری پا می‌گذارند. اپتومتریست عنوانی است که به دانش‌آموختگان این رشته اطلاق می‌شود. اپتومتریست‌ها پس از پایان دوره چهارساله می‌توانند وارد بازار کار شوند یا به تحصیل در مقاطع بالاتر یعنی کارشناسی ارشد و دکترا بپردازند، اما ورود به بازار کار هم به همین سادگی نیست و نیاز به سرمایه کلانی دارد. (اگر بخواهی روی پای خودت بایستی و برای خودت کار کنی.) تهیه وسایل و تجهیزات مورد نیاز، اجاره محل مناسب، گرفتن مجوز و پروانه تاسیس و پروانه مسوول فنی از کارهایی است که در همان شروع کار باید فکری برای آن کرد. برای آقایان همه اینها در صورتی است که موفق به اتمام خدمت سربازی نیز شده باشند و گرنه دو سال دیگر نیز باید صبر کنند. تهیه وسایل به حداقل پنجاه‌میلیون‌تومان پول نیاز دارد و قبل از رسیدن به مرحله اخذ مجوز باید محل مناسبی را پیدا کنی تا مورد بازدید کارشناس مربوطه قرار گیرد، اما در مرحله مجوز، یک‌مجوز از نظام‌پزشکی و یک‌پروانه تاسیس و یک‌پروانه مسوولیت فنی از دانشگاه علوم پزشکی مربوطه باید دریافت شود. تازه بعد از کلی دوندگی و گرفتن همه این مدارک سروکله بازرگانی هم پیدا می‌شود و از شما می‌خواهد تا چهارمین مجوز را هم از آنها بگیری و این‌گونه است که حالا باید به سراغ شهرداری و دارایی بروید و با کلی دوندگی و طی مراحل اداری همه انواع و اقسام پروانه‌ها و مجوزها را بگیرید و آماده ورود به بازار کار باشید. به‌محض شروع به کار متوجه می‌شوی که افراد دیگری به راحتی بدون داشتن گواهینامه فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و بدون داشتن مجوزهای چهارگانه‌ای که شما آنقدر برای گرفتن آنها زحمت کشیده‌ای، بدون هیچ مشکلی کار شما را انجام می‌دهند و می‌مانی که پس چرا من باید این‌همه برای رسیدن به این نقطه تلاش و کوشش می‌کردم. به‌راستی چرا کسانی که متولی این رشته هستند و طبیعتا باید حامی و پشتیبان فارغ‌التحصیلان این رشته باشند، ساکت نشسته‌اند و برای رفع گرفتاری‌ها و مشکلات این حرفه تلاش نمی‌کنند. به امید آنکه وزارت بهداشت و درمان، اپتومتریست‌ها را دریابد و آنها را از عذاب مشکلات گوناگونی برهاند که عرصه کار و فعالیت آنها را روزبه‌روز تنگ‌تر و محدودتر می‌کند.

*کارشناس‌ارشد اپتومتری

بررسی «شرق» از واکنش اجتماعی گسترده به مرگ خواننده جوان «پاپ»

پدیده پاشایی

صدرا محقق

عکس: فرح صمدی، ایرنا

واکنش‌ها به فوت مرتضی پاشایی، خواننده ۳۰ساله‌ای که صبح روز جمعه گذشته پس از ۱۱ماه مبارزه با بیماری سرطان از دنیا رفت همچنان ادامه دارد. بخشی از واکنش‌ها ادامه سوگواری برای این مرگ است و بخشی دیگر واکنشی آمیخته با بهت درباره این حجم و اندازه از واکنش مردم به این ماجرا.

گروه اول اغلب شامل هواداران خواننده مرحوم و جوانان و نوجوانانی هستند که مرتضی پاشایی را عاشقانه دوست داشتند؛ چه این‌روزها که عزادار رفتنش هستند و چه پیش از آن دلبسته صدا و موسیقی‌اش بودند. از روز جمعه تا شبی که به صبح شنبه ختم شد ده‌ها ویدیو، عکس و خبر از تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، اهواز، گنبدکاووس، قزوین، انزلی، رشت، بوشهر، جیرفت، تهران و... در شبکه‌های اجتماعی و وب‌سایت‌های محلی منتشر شد که حکایت از تجمع هواداران این خواننده جوان در پارک‌ها و میادین این شهرها بود؛ تجمعاتی که همه برای یادبود و گرامیداشت خاطره مرتضی پاشایی برگزار شد، حاضران با شمع‌هایی در دست و زمزمه آهنگ‌هایش بر لب، سوگوار این مرگ بودند.

گروه دوم را اما می‌توان ذیل دسته کلی‌تری با عنوان گروه‌های روشنفکر جامعه برشمرد. روزنامه‌نگاران، استادان دانشگاه، گروه‌هایی از دانشجوها و هنرمندانی غیر از هنرمندان عرصه موسیقی و... که همه بهت‌زده به واکنش دسته اول نگاه می‌کردند و دیرهنگام در پی تحلیل آن بودند. از نوع واکنش دسته دوم به این ماجرا در شبکه‌های اجتماعی و عرصه‌های دیگر یک نکته بیشتر از همه خود را نشان می‌دهد و آن، این است: «این خواننده که ما اصلا او را نمی‌شناسیم چطور تا این اندازه در جامعه محبوبیت داشت؟» پاسخ‌ها به این سوال هم به انحای مختلفی ابراز می‌شد، گروهی این واکنش‌ها را صرفا ناشی از «جوگیری» افراد دانسته‌اند و گروهی دیگر این موضوع را نشانه‌ای از فاصله زیاد گروه‌های روشنفکری با مردم عادی و بطن جامعه که مشتی نمونه خروار «عدم شناخت روشنفکران از جامعه» است قلمداد کرده‌اند. برای یافتن پاسخ برخی سوالات در همین رابطه ابتدا به‌سراغ بهمن بابازاده، خبرنگار و دبیر بخش موسیقی پاپ وب‌سایت تخصصی موزیک ما رفتیم تا از او درباره جایگاه مرحوم مرتضی پاشایی در موسیقی پاپ امروز ایران و نوع مخاطبان موسیقی‌اش بپرسیم. بابازاده در این‌باره به «شرق» می‌گوید: «واقعیت این است که جایگاه مرتضی را اگر بخواهیم به‌عنوان‌مثال در بین ۱۰خواننده اول پاپ ایران بررسی کنیم رتبه‌ای بهتر از هفتم تا دهم نمی‌توانیم برایش در نظر بگیریم. مخاطبان او هم اغلب افرادی در سن‌وسال تین‌ایجرها- بین ۱۳ تا ۱۸، ۱۹سال- بودند. به همین دلیل از او با عنوان عاشقانه‌خوان نسل جدید یاد می‌شد. متن ترانه‌های پرسوزوگداز و عشق‌های تلخی که در کارهایش بود به‌علاوه غمی که در صدایش داشت باعث شده بود همین مخاطبان به او لقب سلطان عشق، سلطان احساس و... بدهند. اولین اثری که از او در موسیقی ایران منتشر و با استقبال هم مواجه شد آهنگی بود با عنوان «تو رفتی» که در روز فوت ناصر حجازی منتشر شد و به او هم تقدیم شده بود، این اثر خیلی محبوبیت پیدا کرد و با استقبال زیادی همراه شد.» بابازاده این عوامل به‌علاوه سرگذشتی که در یک‌سال گذشته و پس از روشن‌شدن ماجرای ابتلای او به سرطان به‌وقوع پیوست را در واکنش مخاطبان به مرگ این خواننده بی‌تاثیر نمی‌داند. طبق گفته‌های این روزنامه‌نگار: «آبان‌ماه سال۹۲ اولین‌بار بود که خود مرتضی و اعضای خانواده‌اش از بیماری سرطان او مطلع شدند، این ماجرا در دی‌ماه خبری شد و در یکی از کنسرت‌ها اعضای گروه برای قوت‌قلب‌دادن و اعلام همبستگی با مرتضی که مشغول شیمی‌درمانی بود، موهای خود را تراشیده و روی سن ظاهر شدند. او اسفندماه پارسال هم یک کنسرت دیگر برگزار کرد که بسیاری از خوانندگان مطرح پاپ کشور در آن حاضر شدند و همین رویداد خبر بیماری او را فراگیرتر کرد. در این مدت چندین‌بار شایعه فوت او هم به جدیت منتشر شد. با این حال از زمان اطلاع‌یافتن از بیماری سرطان و آغاز دوره درمان، مرتضی پاشایی و اعضای گروهش فشرده‌ترین برنامه کنسرت‌ها را در کل کشور کلید زدند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت در یک‌سال گذشته او رکورددار اجرای موسیقی زنده در ایران بود با فاصله بسیار زیاد از نفر دوم. این کنسرت‌ها هم شامل کنسرت‌های رسمی و غیررسمی برای سازمان‌ها و ارگان‌ها بود و هم اجراهای عمومی، که حتی تا همین شهریورماه گذشته هفته‌ای دو اجرا در شهرستان‌های مختلف داشت. آخرین اجرای مرتضی هم قرار بود قبل از محرم و صفر و در شهر مشهد باشد که به‌دلیل فوت آیت‌الله مهدوی‌کنی لغو شد و بعد او در بیمارستان بستری شد و... .»

نگاهی به سرخط خبرها درباره اجراهای این خواننده در یک‌سال گذشته حکایت از آن دارد که او در این مدت در شهرهای اراک، سمنان، برازجان، بوشهر، رشت، انزلی، ارومیه، مشهد، شیراز، خرم‌آباد، اهواز، ایلام، سنندج، کیش، اصفهان، کرمانشاه، بندرعباس، شهریار، یزد، تبریز، سرعین اردبیل، کرمان، بوکان، سقز و سالن میلاد تهران کنسرت اجرا کرده است. علاوه‌بر این صدای او تیتراژ برنامه محبوب و پرطرفدار تلویزیونی ماه‌عسل هم بود و همین عامل مردم زیادی را با صدای این خواننده آشنا کرده بود. همچنین نگاهی به برخی وب‌سایت‌های پخش آنلاین موسیقی در اینترنت هم بخش دیگری از محبوبیت این خواننده را حکایت می‌کند، اگرچه از او تنها حدود ۳۰قطعه موسیقی پخش شده اما میانگین تعداد دفعات شنیدن این قطعه‌ها توسط مخاطبان عددی در حدود دومیلیون‌بار برای هر قطعه را نشان می‌دهد. همه اینها نشانه‌هایی از محبوبیت فراگیر این خواننده در بین گروه‌های زیادی از مردم بود.

با این‌همه اما گروه‌های بهت‌زده از واکنش‌ها به فوت او، نه بیننده برنامه ماه‌عسل بودند و نه از کنسرت‌های مرتضی پاشایی و اهنگ‌هایش خبری داشتند. پاسخ به این بخش از سوال‌ها درباره این میزان از فاصله میان روشنفکران و مردم عادی را به آذر تشکر، جامعه‌شناس واگذار کردیم. او در این‌باره به «شرق» می‌گوید: «باید اعتراف کنم که من هم از واکنش‌ها به این ماجرا شوکه شدم و امروز پیگیر بودم که اطلاعاتی درباره این خواننده به دست بیاورم، یک دلیل عمده این عدم شناخت هم به برداشت ما از روشنفکر ایرانی و جامعه ایرانی از هنر مربوط است، اساسا برداشت ما از هنر، یک هنر فرهیخته و کلاسیک است، هنر پاپیولار را هم کمتر به آن توجه کردیم و هم شناختی از آن نداریم، در حالی که این هنر خودش اثرگذاری و مخاطبان خودش را دارد، نکته جالب اینکه هم روشنفکرها و هم مجموعه دولت گزینشی به هنر نگاه می‌کنند و بخش‌هایی را اصلا هنر نمی‌دانند. اما در جاهایی- مثل همین موضوع فوت آقای پاشایی - به این شکل بخش‌هایی خودش را بروز و اثرگذاری‌اش را نشان می‌دهد. نکته عجیب‌تر اینکه قضاوت‌های ما راجع به این هنر فقط به نپسندیدن آن خلاصه نمی‌شود بلکه درواقع اصلا آن را نمی‌بینیم و به حسابشان نمی‌آوریم. این موارد را باید به‌عنوان آسیب‌شناسی جامعه روشنفکری به حساب بیاوریم، درواقع گروه‌های روشنفکری یک‌جور نخبه‌گرایی عجیب‌وغریبی دارند که باعث می‌شود نسبت به هر چیزی نه‌فقط هنر گزینشی اقدام کنند که حتی برای شناختش هم کاری نکنند.»

به گفته آذر تشکر قشر روشنفکر، کتابخوان و کسانی که مطالعات فرهنگی هم انجام می‌دهند این موضوعات را حتی به‌عنوان موضوعی برای شناخت هم مورد توجه قرار نمی‌دهند در حالی که در حوزه جامعه‌شناسی جامعه‌شناسان بزرگی بررسی‌های مهمی در حوزه هنرهای عامه‌پسند انجام داده‌اند. او همچنین می‌افزاید: «درباره همین موضوع آقای پاشایی؛ چه معروفیتش و چه ماجرای ازدنیارفتنش و نوع واکنش‌ها به آن می‌توان یک دنیا نظریه جامعه‌شناختی را مطرح و بررسی کرد. فقط همین موضوع که گروه‌هایی جمع شده‌اند و به این سبک برای او عزاداری کرده‌اند حکایت از آن دارد که سبک دیگری از عزاداری مرسوم شده است که برای جامعه ما جدید است. این سبک جدیدی از کنارآمدن با اندوه در حال عرضه خودش به جامعه است که از این لحاظ هم می‌تواند موضوعی برای بررسی و تحلیل باشد. من تصور می‌کنم شمع به‌دست‌گرفتن، دورهم جمع‌شدن و آوازخواندن برای عزاداری در آینده بسیار رایج‌تر هم خواهد شد در حالی که اینها را ما نمی‌شناسیم و نشناختیم.»

این جامعه‌شناس همچنین در بخش دیگری از صحبت خود به موضوع بیماری سرطان این خواننده و مبارزه‌اش با آن اشاره کرده و می‌گوید: «الان مرگ در کسوت بیماری لاعلاج خودش را نشان می‌دهد و این به‌صورت امر عمومی درآمده، بیچارگی و ناچاری خاصی در این بیماری است که جامعه با آن در حال دست‌وپنجه نرم‌کردن است، یعنی مساله اجتماعی شده است. بسیاری از افراد جامعه خود یا نزدیکانشان به این بیماری مبتلا شده‌اند- طبق آمارها سالانه ۹۰هزارنفر در ایران به سرطان مبتلا می‌شوند- همین آمار نشان می‌دهد چه جمعیت زیادی در کشور از نزدیک با سرطان دست‌به‌گریبان هستند. در چنین شرایطی وقتی یک خواننده با این سبک از موسیقی در اوج سنین جوانی به آن مبتلا می‌شود به شکل نمادین جامعه و مردم با او احساس نزدیکی و همدردی می‌کنند.»

واکنش‌ها به این موضوع در شبکه‌های اجتماعی هم فراوان و جالب‌توجه بود، بسیاری در این‌باره تحلیل و نظر نوشتند.

نمایندگان از شاخص‌های وزیر علوم مطلوب رونمایی کردند

عیار «دانش» با محک مجلس

محمدحسین نجاتی

رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس‌شورای‌اسلامی روز گذشته از معیارهای مجلس برای رای‌اعتماد به وزیر پیشنهادی دولت رونمایی کرد. او با تاکید بر اینکه جایگاه علمی، سابقه مدیریت، عدم‌حضور در فتنه ۸۸ و مرجعیت علمی چهار شاخصه مجلس برای رای‌اعتماد به وزیر علوم است، اعلام کرد: استنباط بنده این است از روزی که وی معرفی شد اجماعی در مجلس به وجود آمد که احساس می‌شود به‌راحتی رای‌اعتماد نخواهد گرفت. مگر اینکه با جلسات پیوسته در کمیسیون بتواند افراد را متقاعد کند. محمدمهدی زاهدی، رییس کمیسیون آموزش مجلس‌شورای‌اسلامی درخصوص معرفی فخرالدین دانش‌آشتیانی به‌عنوان وزیر پیشنهادی دولت برای وزارت علوم گفت: مجلس شاخصه‌هایی را در نظر می‌گیرد و رای به وزرای پیشنهادی براساس این شاخصه‌هاست. وی افزود: «اولین شاخصه جایگاه علمی است، معیار دوم سابقه خوب مدیریتی است و معیار سوم مساله فتنه ۸۸ است.» زاهد گفت: «آخرین نکته آنکه وزارت علوم باید به جایی برسد که در آینده مرجعیت علمی را برای کشور به ارمغان بیاورد. برای این منظور نباید دانشگاه پایگاه احزاب سیاسی باشد و به‌عبارت دیگر وزیر علوم نباید تنها به مسایل سیاسی بپردازد.» رییس کمیسیون آموزش مجلس‌شورای‌اسلامی افزود: «هرچند ما باور داریم دانشگاه باید سیاسی باشد، اما نباید پایگاه جریان‌ها و احزاب سیاسی و جریان‌های فتنه‌انگیز شود، اگر تمام این جهات رعایت شود، وزیر پیشنهادی قطعا رای خوبی را از مجلس خواهد گرفت.» وی افزود: «با توجه به اینکه ۲۹آبان مهلت قانونی تعیین وزیر علوم است، درصورتی که وی رای‌اعتماد نگیرد، رییس‌جمهور باید بلافاصله نفر بعدی را معرفی کند. این موضوع در دولت نهم در مورد وزارت نفت رخ داده بود.»

دانش‌آشتیانی معیارهای مجلس را دارد؟

۱- جایگاه علمی

بررسی رزومه علمی و اجرایی «دانش‌آشتیانی» نشان می‌دهد، او به‌واسطه تجربه مدیریتش در بخش‌های مختلف مدیریت آموزشی در دانشگاه و وزارت علوم، نزدیکی زیادی با معیارهای مجلس‌شورای‌اسلامی دارد. به طوری‌که اگر معیارهای زاهدی را یکی از استانداردهای مجلس برای رای‌اعتماد به «دانش‌آشتیانی» بدانیم، او در بحث «جایگاه علمی» به‌عنوان اولین معیار کارنامه مناسبی دارد. به‌طوری‌که او دانشیار دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی دانشکده مهندسی عمران، عضو هیات امنای دانشگاه‌های خواجه نصیرالدین طوسی و تربیت‌مدرس، ریاست کمیسیون هیات امنای دانشگاه‌های تربیت مدرس، هنر تهران، صنعتی اصفهان، اصفهان، هنر اصفهان، شهید چمران اهواز، سرپرست دانشگاه ایلام همزمان با مسوولیت در وزارت به‌منظور ارتقای جایگاه دانشگاه بعد از جنگ، مدیر گروه زلزله دانشکده مهندسی عمران دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی از سال۸۳ تا ۸۷، عضو کمیته منتخب بررسی صلاحیت علمی اعضای هیات علمی دانشکده مهندسی عمران از سال ۸۳ تاکنون را در کارنامه علمی خود دارد.

۲- سابقه مدیریتی

در دومین معیار اعلام‌شده از سوی زاهدی یعنی سابقه مدیریت، «دانش‌آشتیانی» کارنامه مهم‌تری دارد. او مدیرکل طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی از سال۶۴ تا ۶۸، معاون امور جنگ وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی از سال۶۶ تا ۶۸، همکاری با قرارگاه خاتم‌الانبیا در امور مهندسی رزمی جنگ، مسوول برقراری ارتباط استادان دانشگاه با مسوولان دفاع مقدس برای حل مسایل پژوهشی جنگ، معاون امور عمرانی و دفاعی وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی از سال۶۸ تا ۷۲، معاون اداری و پشتیبانی وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی از سال۷۶ تا ۸۰، معاون طرح و توسعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و قائم‌مقام وزیر از سال۸۰ تا ۸۲، عضو شورای گسترش آموزش‌عالی از سال۷۶ تا ۸۲، عضو کمیته تخصصی شورای گسترش آموزش‌عالی از سال۷۶ تا ۸۲، عضو شورای اسلامی‌شدن دانشگاه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۷۶ تا ۸۲، عضو شورای تدوین برنامه پنج‌ساله چهارم علم و فناوری آموزش‌عالی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، عضو شورای برنامه‌ریزی سازمان سنجش آموزش کشور از سال۷۶ تا ۸۲ را در کارنامه مدیریتی خود داشته است.

۳- عدم حضور در حوادث سال ۸۸

در مورد سوم یعنی «عدم حضور در حوادث ۸۸» نیز عملکرد او مشخص است، چرا که اگر حضور او در حوادث ۸۸ برای نمایندگان مسجل می‌شد، تاکنون بسیاری از سایت‌های خبری پر بود از اظهارنظرها یا فیلم‌هایی در این‌باره. علاوه‌بر این او در مصاحبه خود با خبرگزاری ایسنا، عنوان کرده بود: «کاراکتر من واردشدن به دعواها و مسایل سیاسی نیست؛ من یک شخصیت آموزشی و تربیتی هستم و تمام ادعاها مبنی بر حضور بنده در حوادث ۷۸ و ۸۸ هم کذب است.»

۴- مرجعیت علمی

زاهدی در توضیح مرجعیت علمی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مجلس برای رای‌اعتماد به دانش‌آشتیانی می‌گوید: «وزارت علوم باید به جایی برسد که در آینده مرجعیت علمی را برای کشور به ارمغان بیاورد. برای این منظور نباید دانشگاه پایگاه احزاب سیاسی باشد و به عبارت دیگر وزیر علوم نباید تنها به مسایل سیاسی بپردازد.» این معیار مجلس یکی از تاکیدات دانش آشتیانی نیز هست، به‌طوری‌که پیش از این دانش آشتیانی با تاکید بر اینکه وزیر پیشنهادی علوم با تاکید بر اینکه وابسته و وامدار هیچ حزب و گروه سیاسی و... نیستم، ادامه داد: بنده با تیم‌ها و افراد مختلف کار کرده‌ام اما شخصیت مستقلی هستم. ایده و طرح‌های خود را دارم. کاراکتر من سیاسی نیست؛ من یک مدیر اجرایی هستم و کارشناس تعلیم و تربیت. بنده ۱۶سال در دانشگاه و وزارت علوم بودم. از زیر و بم مسایل آموزش‌عالی آگاهی دارم و می‌دانم چگونه کشتی بحران‌زده آموزش‌عالی را به ساحل امن برسانم. او همچنین اضافه کرد: من شخصیت سیاسی نیستم، اما دیدگاه سیاسی خودم را دارم و سیاست را خوب می‌فهمم اما معتقدم هرچیزی در جایگاه خود. من اعتقاد دارم از مشارکت همه گروه‌ها و قشرهای مختلف متعهد و در چارچوب نظام باید استفاده کرد اما این به معنای وابستگی به آنها نخواهد بود. علاوه‌بر نکات یادشده، فعالیت‌هایی چون مسوول پروژه پیاده‌سازی مدیریت استراتژیک در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تدوین برنامه استراتژیک آموزشی و...، در برنامه‌های دانش‌آشتیانی نشان می‌دهد او در این شاخص نیز کارنامه مناسبی دارد.

یادداشت

آینده محیط‌زیست در دست زنان

فاطمه ناصحی*

● تحقیقات متعددی درخصوص نقش زنان در ارتقای فرهنگ محیط‌زیست انجام گرفته که اکثرا گویای این واقعیت هستند که زنان در بیشتر کشورها نقش مسوولانه‌تری در حفظ و حراست از محیط‌زیست و مصرف بهینه از منابع داشته‌اند.

سوال مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا خود این جامعه زنان از دانش کافی در زمینه محیط‌زیست و رفتارهای مطلوب زیست‌محیطی برخوردارند و آیا زمینه برای فراگرفتن اصول اولیه و مهم حفاظت از زمین برایشان فراهم است؟ آیا می‌دانند بخش عمده‌ای از آلودگی‌های خاک، منابع آب، موادغذایی و... به عملکرد آنها در منزل برمی‌گردد؟ تحقیقات صورت‌گرفته در برخی نقاط مختلف جهان و همچنین کشور ما، نشان از وجود آلودگی‌های شیمیایی همچون شوینده‌ها، آفت‌کش‌ها و... در ذخایر آب‌های شور و شیرین دارد که می‌توانند مستقیما سلامت انسان‌ها را تهدید کنند. بخش قابل‌توجهی از آلودگی آب به فاضلاب شهری مربوط می‌شود که در نتیجه استفاده بی‌رویه از انواع مواد شیمیایی مانند حلال‌ها، شوینده‌ها و سموم مختلف دفع آفات در منازل، فروشگاه‌ها، رستوران‌ها و... وارد منابع آب می‌شوند. نکته قابل‌توجه در مورد این آلاینده‌ها این است که برای اثربخشی بیشتر آنها، از موادی با فرمول‌های پیچیده شیمیایی مبتنی بر تکنولوژی مدرن استفاده می‌شود و مردم بی‌اطلاع از ماهیت شیمیایی آنها و پیامدشان در محیط و بدن انسان همچون تجمع‌شان در بافت‌های مختلف بدن، به صورت بی‌رویه از آنها استفاده می‌کنند. این مواد پس از استفاده وارد فاضلاب شهری شده و در نهایت سر از اکوسیستم‌های آبی درمی‌آورند.

بهبود کیفیت منابع آب به میزان قابل‌توجهی به عملکرد زنان در منزل بستگی دارد چراکه این قشر می‌توانند علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف آب در منازل، با استفاده اصولی و صحیح از مواد شیمیایی، به‌عنوان مثال شوینده‌ها، همچون استفاده از یک گلوله پنبه آغشته به سفیدکننده جهت شست‌وشو یا استفاده از ضدعفونی‌کننده‌های طبیعی همچون سرکه به‌جای مواد مصنوعی نقش مهمی در کاهش آلودگی‌های شیمیایی و خطرناک منابع آب ایفا کنند. نقش زنان در این خصوص، نه‌تنها در حفظ منابع آب بلکه در سایر اصول حفاظت از محیط‌زیست، همچون فرهنگ صحیح استفاده از منابع انرژی، استفاده از کیف‌های خرید به جای پلاستیک، فرهنگ کاهش تولید و تفکیک زباله در مبدا و... بر کسی پوشیده نیست.

استادیار محیط‌زیست

ادامه از صفحه اول

تجربه «دانش» در تحول آموزشی

آیت‌الله موسوی‌اردبیلی درباره این مجتمع آموزشی گفته‌اند: «اگر خداوند در روز قیامت از من بپرسد به شما این قدر عمر دادیم، امکانات دادیم، توفیق دادیم، با اینها چه کار کردی؟ من هر چه فکر می‌کنم، دستم خالی است. تنها چیزی که برای من امیدبخش است، همین مدارس مفید و دانشگاه مفید است.»

۳- از سال ۱۳۸۱، دکتر دانش‌آشتیانی به مدیریت این مجتمع آموزشی برگزیده شد. دکتر دانش با مشورت با جمعی از فرهیخته‌ترین و باتجربه‌ترین مشاوران امر آموزش و تربیت به این نتیجه رسید که باید در نگاه به امر آموزش در این مجموعه آموزشی تغییراتی ایجاد شود. وی تغییر را از دبستان که مهم‌ترین مقطع آموزشی و تربیتی است، شروع کرد و قبل از آنکه نظام آموزش و پرورش به فکر حذف نمره از دبستان‌ها بیفتد، او در دبستان مفید اولویت را به مهارت‌های زندگی و تربیت سالم کودکان و البته شادی آنها داد و در درجه دوم مساله آموزش را قرار داد. اکنون دبستان مفید حضور دارد و همگان می‌توانند از چشم خود مدرسه‌ای را ببینند که اغلب دانش‌آموزانش از تعطیلی گریزانند و با میل خود به مدرسه می‌آیند. این مهم صورت نمی‌پذیرفت مگر با حمایت و نگاه دکتر دانش آشتیانی.

۴- آنچه این‌روزها از مجلس و محافل سیاسی شنیده می‌شود این است که اصولگرایان از معرفی دکتر دانش به‌عنوان وزیر پیشنهادی علوم به مجلس ناراحت هستند و او را فرد مناسبی برای این امر نمی‌دانند. دلایل آنها حول یک‌محور است که آن حضور و حمایت دکتر دانش از جریانات بعد از انتخابات ۱۳۸۸ است. از این بگذریم که دکتر دانش به‌صراحت این اتهام را رد کرده است، اما سخنی دارم با فعالان سیاسی اصولگرا؛ اگر دکتر دانش را برای وزارت علوم مناسب نمی‌دانید و نظرتان بر این است که او باعث انحراف دانشجویان می‌شود، چرا بسیاری از شما کودکان و نوجوانان‌تان را که در سنینی حساس‌تر و انعطاف‌پذیرتر از لحاظ تربیتی هستند، در مجموعه آموزشی مفید ثبت‌نام کرده‌اید و امر آموزش و تربیت آنها را به دکتر دانش سپرده‌اید؟ آیا این کار مشمول ضرب‌المثل «یک بام و دوهوایی» نیست؟ آیت‌الله علم‌الهدی، اسدالله عسگراولادی، محمدباقر قالیباف، محسن پیرهادی، مهدی کوچک‌زاده تنها برخی از اصولگرایان سرشناسی هستند که به‌درستی و در انتخابی کارشناسانه و به دور از خط‌کشی‌های سیاسی، نوه، فرزندان یا نزدیکان خود را به مدارس تحت مدیریت دکتر دانش آشتیانی سپرده‌اند و هیچ واهمه‌ای از انحراف فرزندانشان ندارند. تنها یک نتیجه از این دو امر متضاد می‌توان دریافت و آن این است که نگاه و رای برخی از فعالان اصولگرا در امر انتخاب وزیر علوم کارشناسانه نیست و نگاهی «جریانی»، بر انصاف پیشی گرفته است.

۵- نظام آموزش‌عالی ما اکنون نیازمند خونی تازه در رگ‌های خود است و دکتر دانش‌آشتیانی در سابقه خود نشان داده، می‌تواند آسیب‌های تربیتی در دوران دانشجویی را با برنامه برطرف کند. فقط حمایت همگان -اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب- را می‌خواهد و اعتماد از همان جنس که پاره‌ای از فعالان سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب در سپردن فرزندانشان به او کرده‌اند.